



به :

دو تن شخصیت برجسته حزب کمونیست
(مارکسیست - لنینیست - مائویست) هند
(رفیق آزاد و رفیق جیتندر)

حزب کمونیست (م ل م) خلق کبیر هند ، که خود نماد است از مبارزه و پیکار در برابر خون آشام ترین و بی رحم ترین طبقه حاکمه در جهان ؛ طبقه ای که روز تا روز در حال فاصله گرفتن از سایر طبقات بهره ده و مظلوم هند می باشد ؛ چنانیکه هول انگیز ترین فاصله بین طبقه حاکمه و طبقات تحت ستم در جهان خوانده شده است .

دو نمادی از این جمعی متهور و مبارز که در همسویی با خلق شان و در تقابل با نظام سخت بهره کش و جبون حاکم قرار داشتند ، و در مسیر استحکام و استقرار دولت واقعاً مردمی که هم اکنون در هشت ایالت آنکشور مراکز قدرت خلق را ایجاد کردند ، و مورد تائید و حمایت میلیون ها هندی قرار دارند ، و درپروسه کار توده ای در یکی از شهر های سرزمین شان توسط دژخیمان وابسته به امپریالیزم جهانی دستگیر ، و چند ساعت بعد از گرفتاری بقتل رسیدند .

کبیر توخی (اگست 2010)

به دژخیمان بگوئید !

چراغ صاعقه های مستدام فصل های کشت
بر شالیزار های گداخته ی سرزمین پهناورتان
خاموش مباد !

که فاصله ها ، بین شما و آنان
- آنانی که خون (آزاد) و (جیتندر) را ریختند -
بر کوره ای سوزان زمین
تا بخشکد خونشان .

* * *

بگونه ای هول انگیزی در جهان ،
 بی همتاست فاصله هایتان
 - فاصله فقر بی مثال تان ،
 با غنای عریان آنان -
 و شما ، در زیر تابش خورشید
 تا کمرگاه تان ، در آب
 - آبی آمیخته با لای و لوش تفتیده -
 مشغولید از برای دانه ای
 که به سبزی رسد در فصل درو

شما ای ققنوس های "سرزمینی آتشکده ها"
 که " جهنم سوزان " خوانندش
 به دژخیمان بگوئید :

» مپندارید که گلوی فصل نبرد را بریده اید بدینسان
 که نروید باری دیگر
 گل‌های (آزاد) و (جیتندر) .
 خونی که تراود از بن هر رگ شان
 از برای آنکه نخشکد بزرشان
 تا دانه رسد به فصل درو «

ای اشاعه دهندگان پرستش " هر چیز " !

که دوست هر چیزید

؛ مگر انسان زحمتکش

بنگرید که اربابان خون آشام تان

- آن سازندگان " هند شرقی " -

که از چند سالی بدینسو ،

باز آمدند . . .

از برای سرکوب و غارت زحمتکشان

بر سرخین درفش ای که با تزویر

بر دوش می کشیدش

بنگر که (پراچندا)

- این طلایه دار پشت کرده گان به خط سرخ -

چسان برش انداخت

(آن نماد " انقلاب دموکراتیک نوین " را)

پیش پای " خوکان فرستاده شده ی امپراطور "

و خود سر فرود آورد

در پیشگاه خوکان و مزبله ی شان

و سر تعظیم ،

فرود باید آورد

در برابر (آزاد) و (جیتندر)

که در ذبحگاه امپراطور ،

با گلوی بریده ،

غلتیدند

و سرخین درفش بر انداخته ی (پراچندا) را بوسیدند .

ودژخیمان ،

بر روی سیل خروشنده ای خونشان

چون خس و خاشاک لرزیدند .
